

عنوان مقاله:

تحلیل شخصیت در رمان جای خالی سلوچ بر اساس نظریه تکالیف سوگ «وردن»

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهش های بین رشته ای ادبی، دوره 1، شماره 2 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 31

نویسنده:

ابراهیم ظاهری عبدوند - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهرکرد. شهرکرد. ایران.

خلاصه مقاله:

در این پژوهش، به تحلیل و درون کاوی شخصیت، در رمان جای خالی سلوچ، براساس دیدگاه وردن در مورد مراحل و تکالیف سوگ و واکنش های به هنجار در برابر ماتم با روش اسنادی پرداخته شده است. تحلیل شخصیت های داستان، بر اساس این دیدگاه، نشان می دهد خانواده سلوچ مانند مرگان، عباس و ابراو، ابتدا از طریق انکار معنی فقدان، فراموشی انتخابی، نفی روی دادن اتفاق مهم و داشتن تردید، واقعیت فقدان را نمی پذیرند تا درد رفتن سلوچ را بر خود آسان کنند که این امر، موجب ناهنجاری هایی در رفتار آنان می شود. در زمینه گذر از درد مصیبت، مرگان و عباس، درد مصیبت را انکار می کنند تا از خویش در برابر درد فقدان سلوچ محافظت کنند که این انکار، خود را به شکلی دیگر، یعنی رفتار نابه هنجار خشونت، نشان می دهد. در ادامه، نبود سلوچ را می پذیرند و همه آنان، با کسب مهارت های جدید، با محیط بدون حضور شوهر/پدر انطباق می یابند. در پایان نیز با تغییر جای متوفی از نظر عاطفی، مانند عشق به فرزند و به دیگران، ازدواج کردن و عشق به کار، روزی به سوی آینده و زندگی عادی می گشایند. از نظر احساس ها، شناخت ها و رفتارها، شخصیت های درگیر در سوگ، واکنش های مختلفی مانند خشم، اندوه، گوشه گیری، جست وجو، توهم و بی قراری از خود نشان می دهند و سرانجام، با پشت سر گذاشتن همه این مراحل، احساسات و واکنش ها، به زندگی معمولی باز می گردند. بر این اساس می-توان نتیجه گرفت که در این رمان، در کنار پرداختن به محیط اجتماعی، درون شخصیت های مصیبت دیده نیز کاویده و حالت های مختلف آنان بازنمایی شده است.

کلمات کلیدی:

جای خالی سلوچ، نقد روانکاوی، تکالیف سوگ، شخصیت، فقدان واقعیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1304998>

